

A Theoretical Analysis of Approaches to Controlling Non-Customary Dowries (*Mahr*) and the Feasibility of Extending the Rule of Non-Enforceability to Dowries Exceeding One-Third of the Husband's Assets

Mahdi Mollaie¹

(Received on: 2023-12-22; Accepted on: 2024-07-20)

Abstract

Dowry (*Mahr*) is a significant financial right of the wife, and its customary amount yields positive outcomes. However, its excessive inflation in recent years has diverted *Mahr* from its original purpose, leading to socio-cultural and economic challenges. Scholars have proposed various theories to address this issue, yet these approaches — despite their merits — lack comprehensiveness and fail to account for all dimensions of *Mahr*. This partial perspective stems from the absence of a sound methodology in the abovementioned studies. Using thematic analysis and hermeneutics, and relying on opinion survey data, the author systematically categorizes and critiques existing viewpoints, emphasizing the need to safeguard the rights of all stakeholders, including the husband, wife, heirs, and the husband's creditors. Given that Iranian jurisprudential-legal system does not recognize absolute and unrestricted authority of the husband over his assets — and given that non-customary *Mahr* is considered an instance of *debts incurred to cause harm* (*duyūn muḍārra*) — this study proposes that the enforceability of *Mahr* exceeding one-third of the husband's assets be contingent upon the consent of other heirs and creditors. Accordingly, Article 1078 of the Civil Code should be amended.

Keywords: *Duyūn Muḍārra* (harmful debts), spousal rights, dowry (*Mahr*), non-customary dowry, hermeneutics.

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Industries and Management, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran. Email: Mahdi.Mollaie@shahroodut.ac.ir

مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده

سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ص ۳۴ - ۶۸

واکاوی نظریات کنترل کننده مهریه های نامتعارف و امکان سنجی تعمیم حکم عدم نفوذ بر مهریه مازاد بر ثلث اموال

مهدی ملائی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰]

چکیده

مهریه از مصادیق مهم حقوق مالی زوجه است و حد متعارف آن، آثار خوبی را به دنبال دارد؛ اما افزایش بی رویه میزان آن در سال های اخیر، مهریه را از کارکرد واقعی خارج کرده است و موجب پدید آمدن معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شده است. صاحب نظران برای حل مشکل پیش گفته، نظریات مختلفی را مطرح کرده اند. این دیدگاه ها با وجود فوایدی که دارند، جامع نیستند و همه جوانب مهریه را دربر نمی گیرند. این جزئی نگری ناشی از فقدان روش شناسی مناسب در مطالعات پیش گفته است. نگارنده با روش تحلیل مضمون و هرمنوتیک و با تکیه بر داده های افکار سنجی، ضمن دسته بندی نظام مند دیدگاه های موجود و نقد آنها، بر حفظ حقوق همه ذی نفعان از جمله زوج، زوجه، وارثان و طلبکاران زوج تأکید دارد. از آنجاکه در نظام فقهی حقوقی ایران، اختیار زوج بر اموال خود مطلق و بی حصر نیست و مهریه نامتعارف از مصادیق دیون مضار قلمداد شده است، پیشنهاد می شود نفوذ مهریه مازاد بر ثلث اموال زوج، به رضایت سایر ورثه و طلبکاران موکول شود و ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی اصلاح گردد.

کلیدواژه ها: دیون مضار، حقوق زوجین، مهریه، مهریه نامتعارف، هرمنوتیک.

مقدمه

در نظام فقهی - حقوقی ایران، مهریه از مهم‌ترین مصادیق حقوق مالی زوجه است و در مواد ۱۰۷۸ و ۱۰۸۲ قانون مدنی بر تعیین و تأدیه و مالکیت زوجه بر آن تأکید شده است. تعیین مهریه متعارف و پرداخت آن، کارکردهای اجتماعی نظیر تسهیل ازدواج، ایجاد صمیمیت، ارضای نیاز فطری، قایل شدن ارزش و احترام، ایجاد حس امنیت و برقراری بیمه اجتماعی زوجه را به دنبال دارد (شعبانی و فلاحتی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۵)؛ به همین دلیل در روایات هم بر آن تأکید شده است (نوری، ۱۴۰۸ ه.ش، ج ۱۳، ص ۳۷۸؛ ابن بابویه، ۱۳۸۱ ه.ش، ج ۱، ص ۲۳۱؛ ابن شعبه، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۳۰؛ ابن بابویه، ۱۳۳۸ ه.ش، ج ۵، ص ۳۱۹) و ماده ۲۱ قانون شیوه اجرای محکومیت‌های مالی، پرداخت آن را ضمانت کرده است. اسلام به پرداخت مهریه متعارف را تشویق می‌کند و بر اساس روایات، بهترین زنان، خوب‌روترین و کم‌مهریه‌ترین آنان هستند (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ش، ج ۲۱، ص ۲۵۱) و زیادبودن مهریه از عوامل بدیمنی دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ش، ج ۲۱، ص ۲۵۲). حضرت علی (ع) مهریه سنگین را عامل کدورت و دشمنی می‌داند (نوری، ۱۴۰۸ ه.ش، ج ۱۵، ص ۶۶).

با وجود عملکرد مطلوبی که مهریه متعارف به دنبال دارد، متأسفانه در سال‌های اخیر افزایش مهریه‌های سنگین تبعات سوئی را در جامعه به همراه داشته است؛ افزایش سن ازدواج، تغییر در نوع همسرگزینی، کاهش نرخ ازدواج، ایجاد خصومت (روشن و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۷)، بی‌روح شدن زندگی، نادیده گرفتن ارزش‌های دینی و سوداگری از جمله مهم‌ترین کارکردهای منفی مهریه‌های نامتعارف هستند که مقابله با آنها را ضروری کرده است (شعبانی و فلاحتی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۴). زوجه می‌تواند تنها لحظاتی پس از جاری شدن عقد نکاح، مهریه خود را مطالبه کند و چنانچه مهریه مذکور نامتعارف باشد، زوج در پرداخت آن به عسر و حرج مبتلا خواهد شد. افزون بر این، به دلالت ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، «زوجه می‌تواند تا مهریه را دریافت نکرده، از ایفای وظایفی که در قبال زوج دارد،

امتناع نماید». در فرضی که مهریه نامتعارف است، استفاده زوجه از حق حبس مذکور، مقتضای ذات عقد نکاح را هدف قرار می‌دهد. معضلات مهریه نامتعارف به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا زوجه بعد از فوت همسر هم می‌تواند مهریه را از اموال وی دریافت نماید و چنانچه ورثه مانع وی شوند، زوجه می‌تواند از طریق قانونی، ماترک زوج را توقیف کند. بدیهی است وقتی مهریه نامتعارف باشد، دیگر مالی برای ورثه و طلبکاران زوج باقی نمی‌ماند و حقوق مالی آنها ضایع می‌شود. آنچه بر پیچیدگی این معضل می‌افزاید، آن است که در صورت فوت زوجه نیز ورثه وی می‌توانند مهریه نامتعارف را از زوج یا ماترک وی مطالبه کنند؛ زیرا مهریه، حقی مالی است که پس از فوت زوجه به طور قهری به ورثه وی منتقل می‌شود و به همین ترتیب، ممکن است پرداخت چنین مهریه‌ای چند نسل را درگیر کند. با توجه به آنچه بیان شد، ضرورت کنترل مهریه‌های نامتعارف به منظور حفظ کیان خانواده، جامعه و حقوق همه ذی‌نفعان مبرهن می‌شود.

پرسش‌هایی که مطرح می‌شود، بدین ترتیب است: برای کنترل مهریه‌های نامتعارف چه راهکارهایی وجود دارد؟ آیا مداخله حاکمیت در کنترل مهریه نامتعارف لازم است؟ آیا تعیین مبلغ مشخصی برای مهریه راهکار مناسبی است؟ به منظور کنترل مهریه‌های نامتعارف، کدام تئوری و روش‌شناسی مناسب‌تر است؟

نگارنده با بررسی دیدگاه‌ها و راهکارهای ارائه شده، آنها را از نظر عملیاتی به سه گروه قبل از نکاح، حین نکاح و بعد از نکاح تقسیم کرده است و باور دارد برای مقابله با پیامدهای مهریه‌های نامتعارف، مداخله حاکمیت لازم است؛ زیرا گسترش مهریه‌های نامتعارف، نظم عمومی را هدف قرار می‌دهد؛ با این وجود، تعیین مبلغ ثابت برای مهریه از سوی قانون‌گذار، وجاهت شرعی، منطقی، عرفی و قانونی ندارد و نیز با ماهیت مهریه همخوانی ندارد. بهترین نظریه، دیدگاهی است که بر روش‌شناسی صحیح استوار باشد؛ این روش‌شناسی باید مبتنی بر قواعد شرعی، قانونی، عقلی، افکارسنجی، عرف‌شناسی و هرمنوتیک باشد

و حقوق همه ذی‌نفعان نظیر زوج، زوجه، ورثه، طلبکاران و جامعه را حفظ کند. تئوری پیشنهادی نگارنده، عدم نفوذ مهریه مازاد بر ثلث اموال زوج در زمان مطالبه است که ضمن سازگاری با شرع، مقررات، عرف و ماهیت مهریه، تضمین‌کننده حقوق همه ذی‌نفعان است. به نظر می‌رسد سایر دیدگاه‌های مطرح شده جامع و مانع نیستند.

از نظر پیشینه پژوهش، معضل مهریه‌های نامتعارف را باید پدیده قرن اخیر دانست. فقیهان در فقه به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروه اقلیت که بر مهرالسنه تأکید می‌کنند و گروه اکثریت که مهریه توافقی را تأیید کرده‌اند. در دوران معاصر، اندیشمندان و حقوق‌دانانی مانند عبادی (۱۳۸۲ ه.ش)، گرجی (۱۳۸۴ ه.ش)، امامی (۱۳۸۶ ه.ش)، قراچورلو (۱۳۸۷ ه.ش)، علیمردی (۱۳۸۸ ه.ش)، مردانی و زاهدی (۱۳۹۱ ه.ش)، هاشمی‌نژاد و غلامپور (۱۳۹۴ ه.ش)، کاویار (۱۳۹۴ ه.ش)، میرخلیلی (۱۳۹۵ ه.ش)، صابری (۱۳۹۶ ه.ش)، قیوم‌زاده و پورنعمتی (۱۳۹۷ ه.ش)، عزیزی و عباسی (۱۳۹۸ ه.ش)، غروی (۱۳۹۸ ه.ش)، اکبری (۱۳۹۸ ه.ش)، هاشمی و اسماعیلی (۱۳۹۸ ه.ش)، ناصری (۱۴۰۱ ه.ش)، اصغری حسامیه (۱۴۰۱ ه.ش)، صادقی و اکبری (۱۴۰۱ ه.ش)، کشافی‌نیا (۱۴۰۱ ه.ش) و خانزاده و کریمی (۱۴۰۲ ه.ش)، راهکارها و دیدگاه‌های مختلفی برای کنترل مهریه نامتعارف مطرح کرده‌اند که در پژوهش حاضر بررسی شده است. خاطرنشان می‌شود تبیین، تحلیل و دسته‌بندی نظام‌مند همه دیدگاه‌های موجود، استفاده از روش‌شناسی جدید برای حل مسئله و ارائه دیدگاهی نو برای رفع معضلات مهریه‌های نامتعارف، از نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

۱. ادبیات مفهومی

۱-۱. مهریه

مهریه در لغت مترادف با عبارتهای صدق، کابین، فریضه و نحله است و از کلمه عبری «موهار» (mohar) و ریشه سریانی «مهر» (mahra) اقتباس شده است و به معنای هدیه،

محبت و دوستی به کار رفته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۷۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷ هـ.ش، ج ۴۶، ص ۱۱۷). در زبان انگلیسی از عبارت‌های «Dowry of Bride» و «Mahr» برای معرفی مهریه استفاده شده است. مهریه در اصطلاح حقوقی عبارت از مال یا خدمتی است که در زمان نکاح یا پس از آن، به زوجه تأدیه شده یا زوج، متعهد به پرداخت یا انجام آن می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۷۸) و تملیک آن به زوجه، ناشی از حکم قانون است و جنبه قراردادی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴ هـ.ش، ج ۱، ص ۱۳۱). مهریه ممکن است مشخص یا مجهول باشد. مهرالمسمی به معنای مهریه تعیین شده در سند نکاح است (عمید، ۱۳۷۵ هـ.ش، ص ۲۲۱). در کتب حقوقی، مهریه‌ای که براساس توافق زوجین در ابتدای عقد نکاح یا پس از آن تعیین می‌شود، مهرالمسمی نام دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴ هـ.ش، ج ۱، ص ۱۳۱). هنگامی که مهریه مشخص نشده باشد، مجهول است، مالیت ندارد یا در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی یا زمانی که تعیین مهریه به انتخاب زن گذاشته شده یا به هر شکلی مهریه باطل باشد، در این حالت برای زوجه مهرالمثل در نظر گرفته می‌شود. مقدار مهرالمثل براساس شرافت خانوادگی زوجه، وضعیت وی در برابر همسالان، خویشاوندان و همشهریان و شأن و اوصاف شخص وی از قبیل سن، ظاهر و تحصیلات در نظر گرفته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۴ هـ.ش، ج ۱، ص ۱۴۰).

۲-۱. مهریه نامتعارف

مهریه نامتعارف در مقابل مهریه متعارف قرار دارد. «متعارف» از عرف مقتبس شده است. عرف به مفهوم سنت‌ها و رسوم نیکوی جامعه است که عقلای جامعه نیز آن را تأیید می‌کنند (موسوی همدانی، ۱۳۸۶ هـ.ش، ج ۸، ص ۴۹۷). مهریه متعارف، مهری است که عرف جامعه آن را برای هر زن و با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی مانند محل سکونت، شأن و شرافت خانوادگی و اوصاف شخصی از قبیل سن، باکره بودن، ظاهر، شغل، میزان مهارت‌ها

و تحصیلات در نظر می‌گیرد. مهریه نامتعارف، مهری است که با مؤلفه‌های فوق همخوانی ندارد و نیز با غرض شارع مقدس و عقل از نکاح و فلسفه و ذات عقد مزبور سازگاری نداشته باشد و از مصادیق مهرالمسمی محسوب می‌شود (غروی و دیگران، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۷۹). مهریه‌های سنگین و گزاف که با لحاظ وضعیت مالی زوج، عرفاً از توان وی خارج هستند یا ایفای آن متعسر و با مشقت فراوان است، از مصادیق مهریه‌های نامتعارف است.

۲. روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر، توصیف، تحلیل مضمون و هرمنوتیک است و در کنار آن از داده‌های افکارسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز استفاده شده است. جامعه آماری پیمایش مذکور شامل همه افراد بالای هجده سال از کل کشور به طور تصادفی هستند و تعداد ۱۰۲۰ پرسش‌نامه به شکل تلفنی گردآوری شده است. بر اساس فرمول کوکران، حداکثر خطا ۳ درصد و میزان اطمینان ۹۵ درصد محاسبه و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Excel و SPSS26 استفاده شده است. ۴۹/۹ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۵۰/۱ درصد زن هستند. ۲۶ درصد در بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال، ۵۷/۵ درصد در بازه سنی ۳۶ تا ۶۰ سال و ۱۶/۵ درصد در بازه سنی بیش از ۶۰ سال قرار دارند. ۷۸/۳ درصد از پاسخ‌گویان متأهل و ۲۱/۷ درصد مجرد هستند. ۳۷/۵ درصد دارای تحصیلات عالیه، ۵۵/۹ درصد تحصیلات مقدماتی و ۶/۵ درصد نیز بی‌سواد هستند. ۴۴/۲ درصد پاسخ‌گویان ساکن مراکز استان، ۳۴/۸ درصد ساکن شهرهای استان و ۲۱ درصد ساکن روستاها هستند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ هـ.ش، ص ۳-۴). هرمنوتیک نوعی روش‌شناسی تفسیری است که قصد دارد تفسیر تمام اعمال و رفتارهای معنی‌دار و حاصل اقدامات مذکور به‌ویژه زمانی که در قالب متن یا گفتار خودنمایی می‌کند را روشن‌مند کند. علم مذکور به فرایند فهم یک پدیده می‌پردازد و شیوه دریافت مفهوم از آثار گوناگون از قبیل گفتار، رفتار و آثار نوشتاری و هنری را بررسی می‌کند.

این دانش با نقد روش شناسی، مصمم است روشی را برای فهم بهتر پدیده‌ها ارائه دهد. به نظر می‌رسد معنایی غایی و فهمی نهایی از هر اثر وجود دارد و مفسر موظف است ضمن شناخت آن اثر، تحلیل نشانه‌های مختلف و اصلاح روش تفسیر، بکوشد به آن مفهوم نهایی نایل شود. هرمنوتیک رویکردهای مختلفی دارد؛ در رویکرد عینیت‌گرایی، استقرار معنای ثابت و تغییرناپذیر یک اصل اساسی است. در هرمنوتیک قصدگرایی اسکینر، به منظور تحلیل اندیشه‌های زوجین و خانواده‌ها، بازسازی زمینه‌ها به منظور کشف قصد آنها نقش بنیادین دارد (محمودپناهی، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۵۹). تحلیل مضمون، راهبردی توصیفی برای یافتن الگوها از درون مجموعه داده‌های کیفی است (Given, 2008: 867). در تحلیل مضمون، محقق با استخراج مؤلفه‌ها، کدهای ساختاری و نکات کلیدی و تجزیه و تحلیل آنها و با توجه به اصول کلی حاکم بر اثر، ضمن دست‌یابی به الگوهای پرتکرار و معنادار، نقشه‌ای جامع از مضامین مذکور ارائه می‌دهد (AttrideStirling, 2001: 389).

۳. نظریات مطرح شده درباره کنترل مهریه‌های نامتعارف

به منظور مقابله و کنترل آثار منفی افزایش بی‌رویه مهریه در دوران معاصر، صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. نگارنده این نظرات را بر اساس راهکارهای ارائه شده به سه بازه زمانی قبل، حین و پس از نکاح تقسیم کرده است.

۳-۱. نظریات مربوط به قبل از عقد نکاح

۳-۱-۱. نظریه فرهنگ‌سازی و گسترش قواعد اخلاقی

بر اساس این دیدگاه، برای مقابله با پیامدهای مهریه‌های نامتعارف باید فرهنگ‌سازی شود و زوجین قبل از ازدواج، آموزش‌ها و مهارت‌های لازم را کسب کنند (مردانی و زاهد،

۱۳۹۱ هـ.ش، ص ۳۹). همچنین بر گسترش قواعد اخلاقی مهریه تأکید می‌شود. این گروه تقدیر و تحدید مهریه را ناموجه و از نظر عملیاتی غیرممکن می‌دانند (علی‌مردی، ۱۳۸۸ هـ.ش، ص ۶۷). مطابق داده‌های افکارسنجی، ۵۷/۹ درصد مردم مهریه را در زندگی زناشویی مهم نمی‌دانند. ۶۳/۴ درصد مردم معتقدند مردان در زمان تعیین مهریه، مقدار آن را چندان جدی نمی‌گیرند. به عقیده ۶۵/۸ درصد، خانواده‌ها در تعیین مقدار مهریه با مشکل خاصی مواجه نیستند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ هـ.ش، ص ۱). همه این داده‌ها نشان می‌دهد بیشتر مردم درباره پیامدهای حقوقی و مالی مهریه اطلاع چندان‌ی ندارند و فرهنگ‌سازی در این باره ضروری است. در تحلیل دیدگاه فوق باید گفت هرچند فرهنگ‌سازی اقدام مفیدی است، زمان بر است و بدون ابزارهای قانونی نمی‌توان عرف اشتباه را اصلاح کرد.

۲-۱-۳. نظریه تمکن مالی و پرداخت نقدی

بر اساس این نظریه، برای کنترل مهریه‌های نامتعارف زوج باید قبل از نکاح از نظر مالی متمکن باشد و مهریه را در آغاز نکاح به طور نقد پرداخت کند. این گروه برای اثبات نظریه خود به روایات و سیره استناد کرده‌اند؛ از جمله در سیره پیامبر نقل شده است ایشان حاضر نبود زنی را بدون مهریه در اختیار مردی قرار دهد (کلینی، ۱۳۶۷ هـ.ش، ج ۵، ص ۳۸۰؛ مطهری، ۱۳۸۹ هـ.ش، ص ۱۹۶). امام حسن (ع) در این باره می‌فرماید: «ما در ابتدای ازدواج، مهریه همسرانمان را پرداخت می‌کنیم» (کلینی، ۱۳۶۷ هـ.ش، ج ۶، ص ۴۷۶). ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی نیز با این دیدگاه هماهنگ است. در تحلیل این دیدگاه باید گفت با وجود اینکه پرداخت نقدی مهریه اقدامی پسندیده است، به دلایل زیر امکان‌پذیر نیست: اول: برای بسیاری از جوانان این امر میسر نیست؛ دوم: مطابق افکارسنجی صورت گرفته

طبق عرف جامعه ایران، تنها حدود ۱۱/۶ درصد از مردم مهریه را نقد پرداخت می‌کنند (کشافی نیا و دیگران، ۱۴۰۱ هـ.ش، ص ۱۴)؛ سوم: دلیل عمده در نظر گرفتن مهریه نامتعارف، استفاده ابزاری از آن است و در عمل کمتر قصد مطالبه واقعی آن مطرح می‌شود. چهارم: مطابق نظر برخی از فقیهان، روایات مذکور فقط دلالت بر استحباب مهریه نقدی دارد و از آن وجوب برداشت نمی‌شود (عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ش، ج ۱، ص ۳۸۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳ هـ.ش، ج ۲، ص ۲۲۱). پنجم: ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی، تأدیه مهریه به شکل اقساطی را نیز مجاز دانسته است.

۲-۳. نظریات مربوط به دوران عقد نکاح

۱-۲-۳. تعیین مهر السنه

سیدمرتضی در کتاب انتصار (سیدمرتضی، ۱۴۱۵ هـ.ش، ص ۲۹۲) و شیخ صدوق در الهدایه (ابن بابویه، ۱۳۷۶ هـ.ش، ص ۲۵۹) معتقدند حداکثر مهریه نباید از مهرالسنه تجاوز کند. مهرالسنه معادل ۵۰۰ درهم است. حتی سیدمرتضی بر این نظریه ادعای اجماع کرده است (سیدمرتضی، ۱۴۱۵ هـ.ش، ص ۲۹۲)؛ با وجود این بیشتر فقها از قبیل شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۴ هـ.ش، ص ۲۶)، طوسی (طوسی، ۱۳۸۸ هـ.ش، ج ۴، ص ۲۷۲)، حلی (حلی، ۱۴۱۱ هـ.ش، ج ۳، ص ۳۸۵)، دیلمی (دیلمی، ۱۴۱۴ هـ.ش، ص ۱۵۴) و بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۸ هـ.ش، ج ۲۴، ص ۴۲۹) با این دیدگاه مخالف‌اند. برخی صاحب نظران نیز پیشنهاد اصلاح قانون وفق مهرالسنه را داده‌اند (امامی نمینی، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۴۱). به دیدگاه فوق انتقاد شده است؛ زیرا فقیهان آن را تأیید نکرده‌اند و فقط استحباب را از آن برداشت کرده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۲۰ هـ.ش، ج ۷، ص ۴۰۳). افزون بر اینکه مبلغ پیش گفته، خلاف عرف جامعه ایران است و مطابق افکارسنجی میانگین مهریه فعلی ۹۴ سکه است (کشافی نیا و دیگران، ۱۴۰۱ هـ.ش، ص ۱). همچنین این مبلغ خلاف نص صریح آیه ۲۰

سوره «نساء» که از تعبیر قنطار استفاده می‌کند؛ زیرا قنطار دلالت بر مهریه بسیار زیاد دارد (سبحانی، ۱۴۱۷هـ، ج ۲، ص ۱۸۶).

۳-۲-۲. اشتراط مهریه به گونه عندالاستطاعه

این پیشنهاد از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مطرح شده است. مطابق دستورالعمل شماره ۵۳۹۵۸/۳۴/۱، دفاتر رسمی ازدواج مکلف‌اند مفاد دو شرط عندالمطالبه یا عندالاستطاعه را برای زوجین تفهیم نمایند. برخی معتقدند شرط مذکور صرفاً تأکید بر قاعده منع رجوع طلبکار به مدیون معسر نیست؛ چراکه اصل در قیود، احترازی بودن است و بطلان شرط مذکور به دلیل مجهول و غرری بودن محرز است (میرخلیلی و دیگران، ۱۳۹۵هـ.ش، ص ۶۱). به عقیده برخی، قسیم یکدیگر قراردادن شرط عندالمطالبه و عندالاستطاعه، امری غیرمنطقی است و وصول مهریه را مشکل می‌کند و احتمال اضرار زوج را نیز افزایش می‌دهد (ساردوئی نسب، ۱۳۸۸هـ.ش، ص ۱۸۵). به عقیده برخی فقیهان نظیر موسوی خویی (موسوی خویی، ۱۹۹۲م، ج ۷، ص ۴۹۳)، نجفی (نجفی، ۱۳۶۶هـ.ش، ج ۲۳، ص ۱۰۰) و انصاری (انصاری، ۱۴۲۰هـ، ج ۶، ص ۵۲)، شرط مذکور مجهول است و حق زوجه را معلق بر امر محال می‌کند؛ بنابراین هم شرط و هم مهریه باطل است. البته برخی از فقیهان مانند طباطبایی یزدی (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸هـ.ش، ج ۲، ص ۱۱۶)، امامی (امامی، ۱۳۷۱هـ.ش، ج ۱، ص ۲۸۱) و اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۱۹هـ، ج ۵، ص ۱۶۶) معتقدند فقط شرط باطل است و مهریه صحیح خواهد بود. در انتقاد به این نظریه می‌توان افزود این دیدگاه موضوع جدیدی نیست، بلکه در حالت عادی هم قدرت بر پرداخت شرط است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹هـ.ش، ج ۳، ص ۲۴۴) و چنانچه فرد قدرت پرداخت نداشته باشد، می‌تواند تقاضای اعسار کند.

۳-۲-۳. تقدیر مبلغ معین از سوی حاکمیت و عدم ثبت مهریه مازاد

برخی پیشنهاد داده‌اند مبلغ معینی از سوی حاکمیت برای مهریه مشخص شود و افزون بر آن در سند نکاح ثبت نشود (گرجی، ۱۳۸۴ ه.ش، ج ۱، ص ۲۴۸ - ۲۵۰). برخی کشورها مانند عربستان چنین دیدگاهی را اتخاذ کرده‌اند. به اعتقاد آیت الله مکارم شیرازی نظر به اینکه مهریه در شرایط کنونی حدود مرزی ندارد و سبب اشکال‌های فراوان شده است، می‌توان حد معقولی برای آن تعیین کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶ ه.ش، سایت رسمی). به اعتقاد امام خمینی (ره) جمیع اختیارات حکومتی و سیاست‌گذاری پیامبر (ص) و امامان معصوم برای فقیه ثابت است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ه.ش، ج ۲، ص ۴۶۷)؛ ولی دخالت در امور شخصی از قبیل نکاح و طلاق از اختیارات ولی فقیه و حاکم جامعه نیست (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ه.ش، ج ۲، ص ۴۸۹). مطابق داده‌های افکارسنجی ۳۹/۸ درصد مردم، مؤثرترین اقدام حکومت برای کاهش مهریه‌های نامتعارف را تعیین سقف قانونی برای آن دانسته‌اند؛ با وجود این، ۲۶/۲ درصد مردم معتقدند نیاز نیست دولت در این باره اقدامی کند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱). در انتقاد به این نظریه می‌توان گفت تعیین مهریه مخالف نص صریح قرآن و آزادی اراده‌هاست. افزون بر اینکه احکام حکومتی در مواقع خاص وضع شده است و چنانچه بتوان معضل را از طرق دیگر حل کرد، نوبت به استفاده از حکم حکومتی نمی‌رسد.

۳-۲-۴. محدود کردن دامنه مهریه از سوی حاکمیت

بر اساس این نظریه، چنانچه حکومت مجاز به تعیین مقدار مهریه باشد، باید برای این منظور یک دامنه قیمتی تعریف کند؛ زیرا همان‌طور که مهریه زیاد آثار سوئی دارد، از مهریه بسیار کم هم به دلیل مشکلاتی که به وجود می‌آورد، در برخی از روایات نهی شده است (صادقی و اکبری، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۶۱). امام علی (ع) مهریه کمتر از ده درهم را موجب کراهت می‌داند؛

زیرا شبیه هدیه در روابط جنسی آزاد و نامشروع می‌گردد (حر عاملی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲۱، ص ۲۵۳). انتقادهای وارد شده به نظریه قبل در اینجا نیز مطرح می‌شود. افزون بر اینکه تعیین حداقل مهریه برای افرادی که توان پرداخت آن را ندارند، مشکلاتی ایجاد می‌کند.

۳-۲-۵. تقسیط قراردادی مهریه حین نکاح

یکی از راهکارهای کنترل آثار منفی مهریه‌های نامتعارف، تقسیط قراردادی است؛ بدین معنا که طرفین هنگام عقد نکاح توافق کنند مهریه اقساطی پرداخت شود و میزان اقساط آن را نیز به گونه‌ای مشخص کنند که در توان زوج باشد. ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی، اقساطی کردن مهریه را مجاز دانسته است. در انتقاد به این نظریه می‌توان گفت هرچند تقسیط مشکلات اجرایی مطالبه مهریه را کمتر می‌کند، اما در فرض مهریه نامتعارف گاهی در چند قرن هم تسویه نمی‌شود و فقط پیامدهای معضل را به تأخیر می‌اندازد.

۳-۲-۶. تعیین حق الثبت بر مهریه

به تازگی طرحی در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است که به موجب آن به مهریه‌های بالاتر از ۱۴ سکه حق الثبت تعلق می‌گیرد و مبالغ مذکور به صندوقی با عنوان «صندوق تهیه جهیزه برای زوجین نیازمند» واریز می‌شود. برخی معتقدند این طرح بستر سوءاستفاده مردان را فراهم می‌کند و نیز رغبت زنان را به ازدواج کم خواهد کرد و هزینه غیرمنصفانه را به آنها تحمیل می‌کند و مخالف اصل آزادی و توازن حقوق قراردادی است (خانزاده‌پور و کریمی، ۱۴۰۲ هـ.ش، ص ۱). افزون بر این موارد، می‌توان گفت در نظر گرفتن حق الثبت فقط تشریفات را افزایش می‌دهد و ممکن است افراد برای اجتناب از پرداخت حق الثبت، روش‌های غیرمتعارف را در پیش گیرند. همچنین مطابق داده‌های افکارسنجی تنها ۲۲/۳ درصد افراد چنین راهکاری را مفید می‌دانند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ هـ.ش، ص ۱).

۳-۲-۷. تعیین مالیات

بر اساس این دیدگاه، برای مهریه متعارف حدی مشخص می‌گردد و افزون بر آن مشمول مالیات می‌شود. در سال ۱۳۸۶ در ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده چنین پیشنهادی مطرح شد. در صورت تصویب این لایحه، ماده ۱۴۴ قانون مالیات‌های مستقیم که مهریه را از شمول مالیات معاف کرده بود، نسخ می‌شود. برخی معتقدند این دیدگاه مخالف شرع است و قانون‌گذار نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن قواعد اخلاقی و مذهبی و عادات و رسوم جامعه، در حوزه خانواده قوانین آمره وضع کند (مظفری، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۵۵۳). افزون بر این موارد، انتقادهای دیدگاه قبل بر این دیدگاه نیز وارد است. همچنین برخی معتقدند مالیات فقط مربوط به درآمد است و با ماهیت مهریه که عبارت از بخشش و هدیه است، همخوانی ندارد (قراچورلو، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۷۲). در افکارسنجی نیز از این دیدگاه استقبال نشده است (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱).

۳-۲-۸. اعطای حق طلاق و حضانت به زوجه حین عقد

برخی معتقدند دلیل درج مهریه‌های نامتعارف، بهره‌برداری ابزاری از آن برای حق طلاق یا حق حضانت است و چنانچه به طور قانونی و عمومی چنین حقی به زوجه اعطا شود، از میزان چنین مهریه‌هایی کاسته خواهد شد (عبادی، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۴۱). مطابق داده‌های افکارسنجی ۶۷/۹ درصد مردم معتقدند بخشیدن مهریه می‌تواند به زنان در گرفتن حق حضانت کمک کند. همچنین ۷۵/۸ درصد مردم بخشیدن مهریه را ابزاری برای گرفتن حق طلاق می‌دانند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱). در نقد این دیدگاه می‌توان گفت اولاً: قانون‌گذار در بسیاری موارد از حق طلاق و حضانت زوجه حمایت کرده است. ثانیاً: این دیدگاه جامع نیست و بخش عمده‌ای از علل افزایش مهریه‌های نامتعارف را پوشش نمی‌دهد و با ماهیت مهریه سازگار نیست.

۳-۲-۹. احراز توان مالی زوج حین ثبت و تضمین مهریه

بر اساس این دیدگاه، تعیین مبلغ ثابت از سوی حاکمیت خلاف نص صریح قرآن است و راهکار پیشنهادی، احراز توان مالی زوج برای پرداخت مهریه تعیین شده با بهره‌مندی از امکانات مؤسسات موجود از قبیل بانک‌ها، ثبت اسناد و املاک و امثال آن زمان ثبت نکاح است. بنابراین چنانچه پس از اعتبارسنجی مالی مشخص شود زوج از توان مالی لازم برخوردار نیست، از ثبت مهریه خودداری می‌شود و چنانچه توان مالی وی محرز گردد، زوج موظف است تضمینی معتبر از قبیل ملک یا شخص ضامن را هنگام ثبت نکاح ارائه دهد. اشکال‌هایی به این دیدگاه وارد است؛ زیرا اولاً: بسیاری از جوانان در ابتدای زندگی مال اندکی دارند و پذیرش این دیدگاه موجب صرف‌نظر آنان از ازدواج می‌شود؛ چراکه در شرایط فعلی مطابق افکارسنجی میانگین مهریه درخواستی ۹۴ سکه است (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱) و بر فرض احراز توان مالی، تضمین آن کار دشواری است. ثانیاً اعتبارسنجی در زمان مطالبه مهریه کاربردی‌تر است؛ زیرا در مواردی که زوجه قصد استیفای مهریه را ندارد، اعتبارسنجی ابتدای زندگی چه فایده‌ای خواهد داشت؟ ثالثاً: اصل در عقود، رضایی بودن آنهاست و افزودن تشریفات زیاد به عقد نکاح که تأکید بر آسان‌گیری آن شده است، موجب کاهش ازدواج خواهد شد.

۳-۲-۱۰. شرط تقسیم دارایی به جای مهریه

برخی نویسندگان شرط ضمن عقد تقسیم دارایی را راه‌حل مناسب و جایگزین مهریه سنگین در نظر گرفته‌اند (صادقی و اکبری، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۶۳). این نظریه چندان موجه نیست و با ماهیت مهریه و عرف جامعه ایران همخوانی ندارد؛ زیرا تقسیم دارایی در برخی کشورهای غربی رایج است.

۳-۳. نظریات مربوط به پس از عقد نکاح

۳-۳-۱. تعدیل مهریه پس از نوسانات اقتصادی

بر اساس این دیدگاه، بخش مهمی از مهریه‌های نامتعارف به دلیل نوسانات شدید اقتصادی ایجاد شده است و در زمان تعیین مهریه جزء مهریه‌های نامتعارف نبوده‌اند؛ بنابراین پیشنهاد شده است به هنگام مطالبه مهریه، ارزش آن در زمان عقد نکاح لحاظ شود و نه ارزش آن در زمان مطالبه یا به روش متعارف دیگری تعدیل گردد (ناصری و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱۶۵). این دیدگاه جامع نیست؛ زیرا در شرایطی که ثبات اقتصادی وجود دارد نیز برخی اقدام به تعیین مهریه‌های نامتعارف کرده‌اند. افزون بر اینکه این نظریه در مواردی که زوجه قصد واقعی مطالبه مهریه سنگین را ندارد، کارایی ندارد؛ زیرا برخی صاحب نظران با توجه به طبیعت عقد نکاح که میثاقی بزرگ است، با اصل باب شدن مهریه‌های سنگین مخالف هستند، اعم از اینکه مطالبه شود یا نشود (ملائی، ۱۳۹۹ ه.ش، ص ۳۵).

۳-۳-۲. بیمه مهریه با مؤسسات بیمه

گروهی پیشنهاد کرده‌اند به منظور کنترل آثار منفی مهریه‌های نامتعارف، مؤسسه‌های بیمه‌ای مهریه را بیمه کنند و پرداخت آن از سوی این‌گونه مؤسسه‌ها تضمین شود. بر اساس این دیدگاه، بیمه اجباری مهریه نوعی بیمه خسارت یا بیمه بی‌سرپرستی است که به منظور حمایت از زوجه در صورت فوت همسر و طلاق در شرایط خاص و کاهش مهریه‌های غیرواقعی مطرح شده است (هاشمی و اسماعیلی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱). برخی معتقدند بیمه مهریه باید با شروط منصفانه و معقول از قبیل دوام زندگی تا بیست سال و تعداد فرزندآوری باشد؛ در غیر این حالت پدیده‌هایی مانند افزایش طلاق‌های صوری

برای دریافت بیمه، تعدد زوجات و امثال آن شرکت‌های بیمه را در معرض ضرر و زیان قرار می‌دهد (اکبری، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۴۸). در انتقاد به این نظریه باید گفت بیمه مهریه سنگین فقط هزینه افزونی را به زوج تحمیل می‌کند و تشریفات ازدواج را افزایش می‌دهد. افزون بر اینکه کمتر مؤسسه بیمه‌ای حاضر است پرداخت صدها سکه را تضمین کند و فرم فعلی بیمه‌های مهریه شبیه بیمه عمر است و سقف پوشش آن در برخی مؤسسات بیمه فقط بیست میلیون تومان است.

۳-۳-۳. تغییر قراردادی مهریه بعد از عقد نکاح

یکی دیگر از راهکارهای قانونی، اصلاح قراردادی مهریه نامتعارف پس از عقد نکاح است (صابری و دیگران، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۱ - ۱۱؛ اصغری حسامیه و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۲۶۳). به موجب ماده ۱۰۸۷ «زوجین می‌توانند بعد از عقد، مهریه را به تراضی معین کنند». مطابق نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۵۰۷۹ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ فقیهان شورای نگهبان، مهریه شرعی همان است که در ضمن عقد واقع شده است و افزایش مهریه بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و ترتیب آثار مهریه بر آن مخالف موازین شرع است. دیوان عدالت اداری طبق نظریه فوق جزء (ب) از قسمت ۱۵۱ بخشنامه‌های ثبتی که به موجب آن امکان افزایش مهریه بعد از عقد نکاح به شرط تنظیم سند رسمی مجاز شده بود را باطل اعلام کرد (هاشمی نژاد و غلامپور، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۳۸). بنابراین مشخص می‌شود کاهش مهریه بعد از عقد یا بخشیدن آن منعی ندارد. در نقد این دیدگاه می‌توان گفت هرچند اصلاح مهریه نامتعارف از سوی طرفین بعد از عقد راهکار مفیدی است، امام اقدام حقوقی دوطرفه است که در آن رضایت هر دو نفر شرط است و به ندرت متعهدله حاضر به کاستن حق خود می‌شود.

۳-۳-۴. بطلان مهریه نامتعارف و تعیین مهرالمثل

گروهی با استناد به برخی قواعد فقهی نظیر لاضرر، لاجرح، نفی معاملات سفهی، نفی غرر، اختلال نظام و حکم عقل معتقدند اساساً مهریه نامتعارف باطل است و مطالبه آن امکان پذیر نیست؛ بنابراین در این نوع مهریه ها پس از بطلان مهریه، برای زوجه مهرالمثل تعیین می شود (غروی و دیگران، ۱۳۹۸ ه. ش، ص ۹۱ - ۸۴). این دیدگاه هرچند نکاتی علمی را دربر دارد، در عمل رویه قضایی تمایلی به بطلان مهریه های سنگین نشان نداده است. افزون بر اینکه بر اساس نص صریح قرآن که از تعبیر قنطار استفاده می کند، در نظرگرفتن چنین مهریه هایی و پرداخت آن مجاز اعلام شده است و دیدگاه فوق اجتهاد در مقابل نص صریح قرآن است.

۳-۳-۴. دریافت مالیات پس از مطالبه مهریه

بر اساس این نظریه، برای مهریه های نامتعارف هنگام ثبت مالیاتی در نظر گرفته نمی شود؛ اما چنانچه قصد زوجه مطالبه مهریه نامتعارف باشد، از او مالیات اخذ می شود. در انتقاد به این نظریه می توان گفت اولاً: مخالف داده های افکارسنجی است و فقط ۲۲/۳ درصد مردم موافق آن هستند (کشافی نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه. ش، ص ۱). ثانیاً: برخی ماهیت مهریه را هدیه می دانند و با دریافت مالیات که ویژه درآمد است، مخالف اند (قراچورلو، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۷۲). ثالثاً: در بیشتر موارد که زوجه توان مالی برای پرداخت مالیات را ندارد، در عمل مجبور می شود از مهریه که حق مسلم اوست، چشم پوشی کند.

۳-۳-۵. حمایت قضایی تا میزان معین

ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده، مطالبه مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی را مشمول حمایت قضایی می داند و مازاد بر آن را منوط به ملائت زوج نموده است. برخی معتقدند

ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده باید با ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ملاحظه شود تا نقاط ضعف آن درباره حفظ حقوق زوجه و سایر طلبکاران رفع شود. رویکرد کنونی قانون‌گذار بعد از تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، هم حقوق طلبکاران را رعایت می‌کند و هم از حبس بدهکاران مهریه تا حد امکان جلوگیری می‌کند (کاویار و دیگران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۱۸). به این دیدگاه انتقادهای زیر وارد است؛ اول: در نظر گرفتن سقف، مخالف نص صریح قرآن است. دوم: در شرایط اقتصادی امروزی پرداخت ۱۱۰ سکه نیز برای بسیاری از مردم دشوار است. سوم: در خصوص کمتر از ۱۱۰ سکه نیز استطاعت مالی زوج شرط است. چهارم: تعیین عدد ۱۱۰ برای عرف جامعه این توقع را پدید آورده است که این عدد مهریه متعارفی است، درحالی‌که امروزه ادای ۱۱۰ سکه برای بسیاری از افراد جامعه امکان‌پذیر نیست. پنجم: حمایت قضایی که نتیجه آن زندانی شدن زوج است، مخالف داده‌های افکارسنجی است؛ زیرا بر اساس داده‌ها ۸۳/۷ درصد مردم با زندانی شدن مردان مخالف‌اند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱). به نظر برخی، صرفاً سلب آزادی زوج به دلیل عدم تأدیه عمدی مهریه با وجود تمکن مالی دفاع‌پذیر است و در دیگر موارد اقداماتی نظیر مشاوره، تقسیط و تمهیل در ادای دین به جای سلب آزادی زوج مناسب‌تر است (عزیزی و عباسی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۲۷).

۳-۳-۶. صدور حکم اعسار و تقسیط قضایی

رویه مرسوم دادگاه‌های خانواده برای مهریه سنگین این است که پس از تقدیم دادخواست اعسار از سوی زوج و اثبات آن، مهریه را تقسیط می‌کند. در تحلیل این دیدگاه می‌توان گفت تقسیط قضایی همانند تقسیط قراردادی فقط پیامدهای منفی آن را به تأخیر می‌اندازد؛ ولی مشکلات اصلی همچنان پابرجا خواهد بود. افزون بر اینکه عده‌ای تقسیط مهریه بدون

گرفتن تضمین لازم از زوج را موجب تضییع حق زوجه می‌دانند؛ زیرا در بسیاری از موارد با وجود تقسیط مهریه، مرد آن را پرداخت نمی‌کند و رجوع مکرر زوجه به دادگاه وی را از دریافت مهریه منصرف می‌کند (قیوم‌زاده و پورنعمتی، ۱۳۹۷هـ.ش، ص ۲۳).

۴. نظریه پیشنهادی درباره کنترل مهریه‌های نامتعارف

با ملاحظه دیدگاه‌های مطرح شده آشکار می‌شود هرچند برخی از آنها فوایدی را دربر می‌گیرد، با این وجود بیشتر آنها جامع نیستند، با ذات مهریه و نکاح همخوانی ندارند، تالی فاسد دارند، مؤید شرعی و قانونی ندارند، مخالف عرف جامعه هستند، تشریفات نکاح را افزایش می‌دهند یا مخالف نص صریح قرآن هستند. بنابراین نگارنده با در نظر گرفتن ماهیت مهریه و لحاظ افکار سنجی عرف جامعه ایرانی درباره مهریه و مبانی شرعی و قانونی آن و با تأکید بر حفظ حقوق مالی همه ذی‌نفعان، معتقد است زوجه اهلیت تمتع و بهره‌مندی از مهریه سنگین را در زمان عقد نکاح دارد؛ ولی مهریه‌های مذکور در هنگام استیفا و مطالبه، صرفاً تائثل اموال موجود زوج در زمان مطالبه نافذ است و بر مازاد بر آن نافذ نیست. مطابق این دیدگاه، حقوق همه ذی‌نفعان از قبیل زوج، زوجه، ورثه، طلبکاران زوج و جامعه، به گونه متعارف تأمین می‌شود و ضمن حفظ ماهیت مهریه و احترام به عرف جامعه و اصل حاکمیت اراده‌ها، معضلات ناشی از مهریه‌های سنگین نیز رفع می‌شود. برای اثبات نظریه مذکور دلایلی از شرع و قوانین ارائه شده است که در ادامه بررسی می‌شود.

۴-۱. مبانی شرعی

درباره مبنا و فلسفه مهریه، دیدگاه‌های مختلفی نظیر وجوب شرعی، عوض استمتاع و بضع، رفع نیاز فطری، تکمیل‌کننده سهم الارث زوجه و وثیقه حق طلاق مطرح شده است. در دوران قبل از اسلام، پدر تمام حقوق دختر را به زوج واگذار و در ازای آن پولی

دریافت می‌کرد یا به دلیل جداکردن یک عضو از خانواده، مبلغی را برای جبران خسارت می‌دادند؛ ولی در اسلام، مهریه حق زن است و برای حق تملک و جبران خسارت نیست. در آیه ۴ سوره «نساء» از مهریه با عنوان «صدقات» یاد شده است و خداوند می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ». کلمه «نِحْلَهُ» در این آیه، به معنای بخشش و عطیه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۲، ص ۲۶۲ - ۲۶۳). در اسلام بر اساس آیه سوره «نساء»، مالیکت مهریه در اختیار خود زن است.

با توجه به ماهیت و فلسفه مهریه، مشخص می‌شود که اولاً: مهریه حق زن و برای اثبات مهر و محبت است. دوست داشتن و عواطف امری معنوی است که هیچ‌گاه با پول و مادیات قابل ارزش‌گذاری و تقویم نیست؛ بر همین اساس اگر فردی به دلیل علاقه زیاد به همسرش، مهریه بسیار سنگینی را پیشنهاد دهد، نمی‌توان وی را سرزنش کرد. به همین دلیل در آیه ۲۰ سوره «نساء» به نیکی تعبیر «قنطار» به کار برده شده است که بر مهریه بسیار سنگین دلالت دارد (طریحی، ۱۴۰۸ ه. ش، ج ۳، ص ۵۲۳؛ افریقی مصری، ۱۴۰۵ ه. ش، ج ۵، ص ۱۱۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ه. ش، ج ۷، ص ۴۲۲)؛ همچنین برخی از فقیهان با استناد به همین آیه معتقدند مهریه حد خاصی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ش، ج ۴، ص ۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۳، ص ۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۳، ص ۳۲). برخی از روایات هم مؤید این امر است (طوسی، ۱۳۶۵ ه. ش، ج ۷، ص ۳۵۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ه. ش، ج ۲۱، ص ۲۴۰؛ کلینی، ۱۳۶۷ ه. ش، ج ۵، ص ۳۸۴). افزون بر اینکه در سیره برخی ائمه (ع) هم تعیین مهریه زیاد ذکر شده است (فاضل هندی، ۱۴۲۰ ه. ش، ج ۷، ص ۴۰۲). ثانیاً: مهریه امری شخصی است که هر کسی به هر میزان که تمایل داشته باشد، آن را در نظر می‌گیرد. وقتی قاضی طبق ماده ۲۳۰ قانون مدنی حق ندارد وجه التزام توافق شده از سوی طرفین را تغییر دهد، به طریق اولی در مهریه نیز نمی‌توان برای مهریه مقدار یا دامنه قیمتی مشخص کرد؛ زیرا بر خلاف اصل حاکمیت اراده‌هاست. ثالثاً: اگر مهریه تکمیل‌کننده حق ارث زوجه

در نکاح دائم باشد، مبرهن می شود با لحاظ اینکه ارث پسر دوبرابر ارث دختر است، ارث نامبرده یک سوم از ارث مرد کمتر است؛ زیرا طبق قانون ارث، دوثلاث ارث به پسر و یک ثلاث آن به دختر تعلق می گیرد. در نتیجه چنانچه ثلث اموال مرد در قالب مهریه به وی تعلق گیرد، گویا حقوق مالی مرد و زن به یکدیگر نزدیک و حق زن تکمیل شده است. گفتنی است در نکاح دائم عدم تعیین مهر موجب بطلان نکاح نیست؛ اما در نکاح موقت به موجب ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی عدم تعیین مهر موجب بطلان نکاح است؛ زیرا در نکاح موقت به زوجه ارث نمی رسد و برای حفظ حقوق مالی وی، تعیین و دریافت مهریه از ارکان نکاح به شمار رفته است. دیدگاه فوق با داده های افکارسنجی نیز هماهنگ است؛ زیرا هفتاد درصد بانوان ماهیت مهریه را پشتوانه مالی برای زنان و به نوعی مکمل ارث می دانند (کشافی نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱۱). رابعاً: با توجه به روایات، مهریه عموماً از اموال موجود پرداخت می شود که خللی به حقوق دیگر اشخاص ذی نفع وارد نمی آورد. در نتیجه با توجه به ماهیت مهریه باید بین مرحله تعیین مهریه (اهلیت تمتع) و مرحله استیفای آن قائل به تفکیک شد؛ زیرا ظاهر آیه شریفه که از تعبیر قنظار استفاده می کند، بر مصداقی دلالت دارد که شخص مهریه سنگین را از اموال موجود پرداخت کرده است، ولی قصد دارد با بهتان زدن به زوجه آن را پس گیرد.

نکته مهم آن است که شارع مقدس در امور مالی برای اشخاص اختیار مطلق قرار نداده است، بلکه با وضع مقرراتی نظیر خمس، زکات و تعیین میزان مجاز وصیت و دین، حقوق دیگران را نیز محفوظ می دارد. بر همین اساس در آیه ۱۲ سوره «نساء» به منظور حفظ حقوق دیگر ورثه، با تعبیر «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّهِ يُوْصِيْ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ»، فقط وصیت تا ثلث اموال را نافذ دانسته است و «دین مضار» را نافی حقوق ورثه قلمداد نمی کند. با توجه به اینکه زوجه فقط یکی از ورثه است، چنانچه مهریه وی نامتعارف باشد، از آنجا که تأدیۀ دیون بر تقسیم ارث مقدم است، دیگر مالی برای سایر ورثه باقی نمی ماند؛ بنابراین قرآن

کریم در آیه پیش‌گفته که قواعد ارث را بیان می‌کند، به نیکی از عبارت وصیت و «دین غیرمضار» استفاده کرده است. مفهوم آیه شریفه آن است که هنگام تقسیم ارث، وصیت یا «دین مضار» بر خلاف وصیت و دین متعارف در نظر گرفته نمی‌شود و بدون لحاظ آن، اموال بین ورثه تقسیم می‌شود. بی‌تردید مهریه‌های نامتعارف از مصادیق بارز «دین مضار» هستند که به حقوق مالی دیگر ورثه و طلبکاران ضرر می‌رسانند. با وحدت ملاک از قواعد میزان وصیت مجاز و در نظر گرفتن این نکته که «دین مضار» در ردیف وصیت مضار ذکر شده است، به نظر می‌رسد بتوان معیار مازاد بر ثلث اموال را برای دین مضار هم لحاظ کرد.

۴-۲. مبانی قانونی

بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، سوءاستفاده از حق و استفاده ابزاری از آن ممنوع شده است. هرچند زوجه در مرحله تعیین مهریه، شایستگی تمتع و حق بهره‌مندی از مهریه سنگین را دارد، نمی‌تواند در مرحله استیفا از حق خود به گونه غیرمتعارف عمل کند. ماده ۹۵۸ قانون مدنی در تأیید این امر مقرر می‌دارد: «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود؛ لیکن هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد». بدیهی است استفاده ابزاری و غیرمتعارف از مهریه‌های سنگین مورد تأیید قانون نیست. ماده ۱۳۲ قانون مدنی نیز به بهره‌برداری متعارف از حق تأکید کرده است. افزون بر اینکه نافذ بودن استیفای کامل مهریه نامتعارف با حکم ماده ۹۵۹ مخالف است؛ زیرا این ماده ابراز می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند». بی‌تردید تأدیه کامل مهریه سنگین که عرفاً و عادتاً از توان فرد خارج است، او را در موقعیتی قرار می‌دهد که از بسیاری حقوق خود در عمل محروم می‌شود؛ برای نمونه فرض کنید زوج برای اجتناب از پیامدهای مهریه سنگین

و پدیده «شوهرآزاری»، ناچار شود از حق طلاق و حق حضانت خود چشم‌پوشی نماید یا برای تأدیه آن به اجبار شبانه‌روز کار کند و آسایش وی سلب شود یا ممکن است به اجبار به همه خواسته‌های قانونی یا غیرقانونی زوجه تن دهد که مخالف با آزادگی اشخاص است. ماده ۹۶۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا از حریت خود صرف‌نظر نماید». بر اساس داده‌های افکارسنجی، ۵۹/۵ درصد مردان معتقدند مردان به دلیل مهریه، تحت فشار خواسته‌های همسران خود قرار دارند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱۳).

مطابق قوانین نیز اختیار شخص برای تصمیم‌گیری در خصوص اموالش مطلق نیست، بلکه به حقوق مالی اشخاص ذی‌نفع وابسته است؛ برای نمونه بر اساس ماده ۶۵ قانون مدنی «صحت وقفی که به منظور اضرار دیان واقف واقع شده، منوط به اجازه دیان است». درواقع در وقف که یکی از اعمال حسنه به شمار می‌آید، حقوق مالی دیگران لحاظ شده است؛ بنابراین به طریق اولی در دیگر امور از جمله مهریه نیز باید این قاعده رعایت شود. گذشته از این، ماده ۸۳۷ قانون مدنی بیان می‌کند: «اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه را از ارث محروم نماید، وصیت مزبور نافذ نیست». همچنین ماده ۹۴۴ ابراز می‌دارد: «اگر شوهر در حال بیماری زن خود را به قصد محرومیت از ارث، طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به علت همان بیماری بمیرد، زوجه از او ارث می‌برد». این مواد نشان می‌دهد اختیارات مادی و حقوقی افراد مطلق نیست و نباید طوری عمل کنند که حقوق مالی دیگران از جمله ورثه ضایع شود. با توجه به مراتب پیش‌گفته، استیفای کامل مهریه نامتعارف امکان‌پذیر و نافذ نیست. پرسشی که پیش می‌آید این است که مطالبه چه میزان از مهریه‌های نامتعارف نافذ است؟ به دلالت ماده ۸۴۳ قانون مدنی وصیت اشخاص فقط تا ثلث اموالشان نافذ است و این حکم برای حفظ حقوق سایر ورثه وضع

شده است؛ بنابراین هرچند در مرحله تعیین مهریه، به دلالت ماده ۱۰۸۹ قانون مدنی، زوج مجاز است هر مقدار که بخواهد برای زوجه در نظر بگیرد؛ اما در مرحله استیفای حق، با وحدت ملاک از احکام وصیت، صرفاً تأدیه ثلث اموالش به زوجه مجاز خواهد بود. تأدیه این میزان از اموال به عنوان مهریه موجب می‌شود حقوق مالی زوج، ورثه و طلبکاران حفظ شود و زوجه نیز میزان متعارفی از مهریه خود را وصول کند و با دریافت ارثیه، حقوق مالی‌اش تأمین و تکمیل گردد. گفتنی است در خصوص مطالبه مهریه مازاد بر ثلث اموال، رضایت ورثه و طلبکاران شرط خواهد بود.

خاطرنشان می‌شود نظریه پیش‌گفته با ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی نیز هماهنگ است. به موجب این ماده «در صورتی که اختیار تعیین مهریه به زن داده شود، وی نمی‌تواند بیشتر از مهرالمثل معین و مطالبه نماید». افزون بر اینکه این نظریه با داده‌های افکارسنجی نیز هماهنگ است؛ زیرا ۸۱/۹ درصد مردم مداخله قانونی و اصلاح روند فعلی را ضروری می‌دانند (کشافی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱۷).

نتیجه

تعیین مهریه و تأدیه آن سنت حسنه‌ای است که نظام فقهی و حقوقی ایران هم بر آن تأکید کرده است و اجرای متعارف آن عملکرد مثبتی را به دنبال دارد. با توجه به ماهیت مهریه که بیان‌کننده محبت و صداقت زوج به همسرش است، در مرحله شایستگی تمتع، در نظر گرفتن مهریه‌های سنگین مشکل خاصی را ایجاد نمی‌کند، بلکه با تعبیر «قنطار» که در قرآن کریم از آن یاد شده نیز هماهنگ است؛ ولی در مرحله استیفای حق، تأدیه کامل چنین مهریه‌هایی متعذر و متعسر است و به حقوق دیگران خدشه وارد می‌کند که بی‌تردید مورد تأیید شرع و قانون نیست. بنابراین با توجه به اینکه

اختیارات مالی افراد مطلق نیست و بالحاظ ماهیت مهریه که برخی آن را مکمل ارث می‌دانند و با وحدت ملاک از قواعد وصیت، به نظر می‌رسد در مرحله استیفای حق، مطالبه مهریه‌های نامتعارف صرفاً تا میزان ثلث اموال زوج نافذ است و مطالبه مازاد بر آن غیرنافذ خواهد بود و تصمیم‌گیری در مازاد بر عهده ورثه و طلبکاران است. مطابق این دیدگاه، معیار میزان ثلث اموال، مقدار اموال زوج در زمان مطالبه مهریه بوده است و اگر زوج فوت نموده باشد، معیار ثلث اموال، مقدار اموال او در زمان فوت است و چنانچه زوج فوت کرده باشد و ورثه وی بخواهند مهریه وی را مطالبه کنند، معیار ثلث اموال، مقدار اموال زوج در زمان فوت زوج است. در نتیجه پیشنهاد می‌شود ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح شود: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد؛ ولی استیفای آن فقط تا میزان ثلث اموال زوج نافذ است و برای مطالبه مازاد بر آن، رضایت سایر ورثه و طلبکاران شرط است. معیار ثلث اموال اگر زوجین زنده باشند، مقدار اموال زوج در زمان مطالبه مهریه است؛ اما اگر زوج فوت کرده باشد، میزان اموال او در زمان فوت و اگر زوج فوت کرده باشد، میزان اموال زوج در زمان فوت زوج است».

کتاب‌نامه

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۱ ه.ش). الخصال. تهران: نشر کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ ه.ش). من لا یحضره الفقیه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۹۳ ه.ش). تحف العقول. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ ه.ش). لسان العرب. قم: نشر ادب.

اصغری حسامیه، محمد؛ نادر مختاری افراکتی؛ و علی آل بویه. (۱۴۰۱ ه.ش). «بررسی جایگاه فقهی - حقوقی ماهیت مهریه و انواع و احکام آن در فقه و مذاهب اربعه». ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. دوره ۵. ش ۱۰، ص ۲۴۷ - ۲۶۴.

اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۱۹ ه.ش). حاشیه کتاب المکاسب. قم: ذوی القربی. اکبری، اکرم. (۱۳۹۸ ه.ش). «بررسی حقوقی مهریه زوجه در نظام قانون‌گذاری ایران». قانون‌یار. دوره ۱۳، ش ۳، ص ۲۵ - ۴۸.

امامی نمینی، محمود. (۱۳۸۶ ه.ش). «ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین». مقالات و بررسی‌ها. دفتر ۸۶. تهران: دانشکده الهیات.

امامی، سیدحسن. (۱۳۷۱ ه.ش). حقوق مدنی. تهران: نشراسلامیه. انصاری، مرتضی. (۱۴۲۰ ه.ش). المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۸ ه.ش). الحدائق الناضره فی احکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ه.ش). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت. حلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۱ ه.ش). المذهب البارع. قم: مؤسسه نشر اسلامی. خانزاده‌پور، مریم؛ و عباس کریمی. (۱۴۰۲ ه.ش). «تحلیل حقوقی طرح حق الثبت بر مهریه‌های بالای ۱۴ سکه طلا». فقه و حقوق خانواده. ش ۸۰.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ ه.ش). لغت‌نامه. تهران: نشر روزنه. دیلمی، سلار. (۱۴۱۴ ه.ش). المراسم العلویه فی احکام النبویه. قم: مجمع اهل البيت (ع). روشن، محمد؛ مجتبی قاسمی؛ و محمدرضا فرهنگ. (۱۴۰۱ ه.ش). «تحلیل اقتصادی مهریه». خانواده‌پژوهی. دوره ۱۸، ش ۱. ص ۷ - ۲۱.

زبیدی، سیدمحمدمرتضی. (۱۴۱۴ ه.ش). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر. ساردوئی‌نسب، محمد. (۱۳۸۸ ه.ش). «تحلیل حقوقی مهریه عندالاستطاعه یا عندالمطالبه». مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱. ش ۴۳. ص ۱۸۵ - ۲۱۴.

- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۷ هـ). نظام النکاح. قم: نشر امام صادق (ع).
- سبزواری، محمدباقر. (۱۴۲۳ هـ). کفایة الاحکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- سیدمرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۵ هـ). الانتصار. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شعبانی، افسانه؛ و سیدهاشم فلاحی. (۱۳۸۶ هـ.ش). «فلسفه مهریه در نظام حقوقی اسلام». در: همایش زن در نظام حقوقی اسلام. آستارا: دانشگاه آزاد اسلامی.
- صابری، سیاوش؛ امیرمحمد افرادی؛ و فرید قادری. (۱۳۹۶ هـ.ش). «بررسی فقهی و حقوقی تغییرپذیری مهریه». مطالعات علوم سیاسی. حقوق و فقه. دوره ۱۵، ش ۳، ص ۱-۱۱.
- صادقی، سالار؛ و عباسعلی اکبری. (۱۴۰۱ هـ.ش). «ضرورت مداخله قانون‌گذار در نهاد مهریه در جهت حل معضل اجتماعی امروز». زن و مطالعات خانواده. دوره ۵۵، ش ۱۵، ص ۴۷-۶۸.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ هـ). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر نشر اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۷۸ هـ). حاشیه مکاسب. قم: اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ هـ.ش). مجمع البیان. تهران: ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸ هـ). مجمع البحرین. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ هـ.ش). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸ هـ.ش). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: مکتبه مرتضویه.
- عاملی، سیدمحمد. (۱۴۱۳ هـ). نهاية المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام. قم: نشر اسلامی.
- عبادی، شیرین. (۱۳۸۲ هـ.ش). «این رسم حمایت نیست». ماهنامه بازتاب اندیشه. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا سیما. ش ۴۲.
- عزیزی، ابراهیم؛ و فرهاد عباسی. (۱۳۹۸ هـ.ش). «بررسی سلب آزادی افراد تا زمان ادای دیون مالی در دعاوی مطالبه مهریه». فقه و حقوق خانواده، دوره ۷۱، ش ۲۴، ص ۱۲۷-۱۵۰.
- علیمرادی، امان‌الله. (۱۳۸۸ هـ.ش). «بازشناسی قواعد حقوقی و اخلاقی حاکم بر مقدار مهریه». پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. دوره ۱۶، ش ۵، ص ۶۷-۹۰.

- عمید، حسن. (۱۳۷۵ ه.ش). فرهنگ فارسی عمید. چ ۷. تهران: امیرکبیر.
- غروی، حسن؛ محدثه مهرابی‌زاده؛ و محسن فتاحی. (۱۳۹۸ ه.ش). «بررسی مبانی فقهی صحت مهریه نامتعارف در فقه امامیه». مبانی فقهی حقوق اسلامی. دوره ۱۲، ش ۲. ص ۷۵ - ۹۵.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ ه). کشف اللثام. قم: نشر اسلامی.
- قراچوللو، رزا. (۱۳۷۸ ه.ش). «نقد لایحه جدید حمایت از خانواده». نشریه وکالت. ش ۳۷ - ۳۸.
- قیوم‌زاده، محمود؛ و طاهره پورنعمتی. (۱۳۹۷ ه.ش). «ضمانت بر تقسیط مهریه میانکشی فقهی، حقوقی و اخلاقی». پژوهش‌های اخلاقی. س ۸، ش ۳. ص ۵ - ۲۶.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴ ه.ش). دوره مقدماتی حقوق مدنی: خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاویار، حسین؛ سیرالله مرادی؛ و الهام نم‌نبات. (۱۳۹۴ ه.ش). «تحلیل ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده در فرض اعسار و ایسار زوج با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴». فقه و حقوق خانواده. دوره ۶۳، ش ۲۰. ص ۹۵ - ۱۲۰.
- کشافی‌نیا، وحید؛ و دیگران. (۱۴۰۱ ه.ش). افکارسنجی پیرامون مهریه و نظر مردم درباره مداخله قانون در آن. تهران: مؤسسه افکارسنجی ملت، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷ ه.ش). الفروع من الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گرجی، ابوالقاسم؛ و همکاران. (۱۳۸۴ ه.ش). بررسی تطبیقی حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- محمودپناهی، محمدرضا. (۱۳۹۴ ه.ش). بررسی روش هرمنوتیک عمدی اسکینر. تهران: دیدار.
- مردانی، مرضیه؛ و سیدسعید زاهد. (۱۳۹۱ ه.ش). «بررسی جامعه‌شناختی مهریه». بانوان شیعه. دوره ۲۸، ش ۹. ص ۳۹ - ۵۹.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ ه.ش). مجموعه آثار. تهران: نشر صدرا.
- مظفری، مصطفی. (۱۳۸۷ ه.ش). «وضع مالیات بر مهریه و آثار آن بر نهاد خانواده». خانواده‌پژوهی. دوره ۴، ش ۴. ص ۵۵۳ - ۵۶۴.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ ه). رساله فی المهر. بیروت: دارالمفید.

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ه.ش). تفسیر المیزان. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹ ه.ش). استفتائات جدید. قم: نشر امام علی (ع).
- ملائی، مهدی. (۱۳۹۹ ه.ش). حقوق خانواده. گرگان: انتشارات نوروزی.
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم. (۱۳۹۵ ه.ش). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرةالمعارف اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ ه.ش). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۹۹۲ م). مصباح الفقاهه. بیروت: دارالهادی.
- موسوی همدانی، محمدباقر. (۱۳۸۶ ه.ش). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- میرخلیلی، سیداحمد؛ حسن رحیم زاده میبیدی؛ و فوزیه قاسم پورکردکلائی. (۱۳۹۵ ه.ش). «بررسی فقهی و حقوقی ماهیت شرط عندالاستطاعه بودن مهریه». پژوهشنامه حقوق تطبیقی. دوره ۳. ش ۲. ص ۶۱ - ۸۳.
- ناصری، سیداحسان؛ و دیگران. (۱۴۰۱ ه.ش). «تحلیل اقتصادی تعدیل مهریه با رویکرد فقهی». مطالعات فقه اقتصادی. دوره ۴. ش ۲، ص ۱۶۵ - ۱۸۰.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۶ ه.ش). جواهر الکلام. تهران: دارالکتب اسلامی.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ه.ش). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).
- هاشم نژاد، زهرا؛ و محمدرضا غلامپور. (۱۳۹۴ ه.ش). «بررسی فقهی و حقوقی تعدیل مهریه». فقه و تاریخ تمدن. دوره ۱. ش ۴. ص ۱۳۶ - ۱۵۶.
- هاشمی، عصمت؛ و محسن اسماعیلی. (۱۳۹۸ ه.ش). «بیمه اجباری مهریه برای حمایت از زوجه در شرایط خاص». مطالعات حقوق. دوره ۳۵. ش ۴. ص ۱ - ۱۶.

AttrideStirling, Jennifer. 2001. *Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative*.

Given, L. M. 2008. *the sage encyclopedia of qualitative Methods*. London.

Mahmoud Panahi, Seyed Mohammad Reza. 2015. "A Study of Skinner's Intentional Hermeneutic Methodology", *Research Policy Quarterly*, No. 3.

References

A. Persian and Arabic Sources:

- Akbarī, Akram. 1398 Sh. “Barrasī-yi Ḥuqūqī-yi Mahriyah-i Zawjah dar Nizām-i Qānūn-Gudhārī-yi Īrān (A Legal Review of the Wife’s Mahr in Iran’s Legislative System)”. *Qānūn-Yār*, Vol. 13, No. 3, pp. 25–48.
- ‘Alīmūrādī, Amānullāh. 1388 Sh. “Bāz-shināsī-yi Qavā’id-i Ḥuqūqī va Akhlāqī-yi Ḥākim bar Miqdār-i Mahriyah (Re-identification of the Legal and Ethical Rules Governing the Amount of Mahr)”. *Research in Islamic Jurisprudence and Law (Pazhūhishhā-yi Fiqh va Ḥuqūq-i Islāmī)*, Vol. 16, No. 5, pp. 67–90.
- ‘Amīd, Ḥasan. 1375 Sh. *Farhang-i Fārsī-yi ‘Amīd (Amid Persian Dictionary)*, 7th ed. Tehran: Amīr Kabīr.
- Al-‘Āmilī, al-Sayyid Muḥammad. 1413 AH. *Nihāyat al-Marām fī Sharḥ Mukhtaṣar Sharā’i al-Islām*. Qom: Islamic Publications.
- Al-Anṣārī, Murtaḍā. 1420 AH. *Al-Makāsib*. Qom: Islamic Thought Research Center (Majma’ al-Fikr al-Islāmī).
- Aṣgharī Ḥisāmīyah, Muḥammad; Nādir Mukhtārī Afrākātī; & ‘Alī Āl Būyah. 1401 Sh. “Bar-rasī-yi Jāyghāh-i Fiqhī - Ḥuqūqī-yi Māhiyyat-i Mahriyah va Anvā’ va Ahkām-i Ān dar Fiqh va Madhāhib-i Arba’ah (A Jurisprudential-Legal Study of the Nature of Mahr, its Types and Rulings in Jurisprudence and the Four Sunni Schools)”. *Iranian Monthly Journal of Political Sociology (Māhnāma’-i Jāmi’a-shināsī-i Īrān)*, Vol. 5, No. 10, pp. 247–264.
- ‘Azīzī, Ibrāhīm; & Farḥād ‘Abbāsī. 1398 Sh. “Barrasī-yi Salb-i Āzādī-yi Afrād tā Zamān-i Adā-yi Duyūn-i Mālī dar Da‘āvī-yi Muṭālabah-yi Mahriyah (A Study on the Deprivation of Liberty until Payment of Financial Debts in Mahr Claim Cases)”. *Fiqh and Family Law*, Vol. 71, No. 24, pp. 127–150.
- Al-Baḥrānī, Yūsuf. 1408 AH. *Al-Ḥadā’iq al-Nāḍirah fī Ahkām al-‘Itrah al-Ṭāhirah*. Qom: Islamic Publications Institute (Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī).
- Al-Daylamī, Sallār. 1414. *Al-Marāsīm al-‘Alawīyyah fī al-Ahkām al-Nabawīyyah*. Qom: Majma’ Ahl al-Bayt (AS).

- Dihkhudā, 'Alī Akbar. 1377 Sh. *Lughat-Nāmāh (Dictionary)*. Tehran: Rawzaneh Publications.
- Al-Fāḍil al-Hindī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 1420 AH. *Kashf al-Lithām*. Qom: Islamic Publications.
- Gharavī, Ḥasan; Muḥaddithah Mihrābīzādah; & Muḥsin Fattāḥī. 1398 Sh. "Barrasī-yi Ma-bānī-yi Fiqhī-yi Siḥḥat-i Mahriyah-yi Nāmūta'āraf dar Fiqh-i Imāmiyyah (Examining the Jurisprudential Foundations of the Validity of Unconventional Mahr in Imami Jurisprudence)". *Jurisprudential Foundations of Islamic Law (Mabani-yi Fiqhi-yi Huquq-i Islāmī)*, Vol. 12, No. 2, pp. 75–95.
- Gurjī, Abu al-Qāsim; et al. 1384 Sh. *Barrasī-yi Taṭbīqī-yi Huquq-i Khānavādah (A Comparative Study of Family Law)*. Tehran: University of Tehran.
- Hāshimī, 'Iṣmat; & Muḥsin Ismā'īlī. 1398 Sh. "Bīmāh-yi Ijbārī-yi Mahriyah barā-yi Ḥimāyat az Zawjah dar Sharāyiṭ-i Khāṣṣ (Compulsory Mahr Insurance for Protecting the Wife in Specific Conditions)". *Legal Studies*, Vol. 35, No. 4, pp. 1–16.
- Hāshim-Nizhād, Zahrā; & Muḥammad Riḍā Ghulāmpūr. 1394 Sh. "Barrasī-yi Fiqhī va Huquqī-yi Ta'dīl-i Mahriyah (Jurisprudential and Legal Study of Mahr Adjustment)". *Fiqh and History of Civilization (Fiqh va Tārīkh-i Tamaddun)*, Vol. 1, No. 4, pp. 136–156.
- Al-Ḥillī, Aḥmad ibn Muḥammad. 1411 AH. *Al-Muhadhdhab al-Bārī*. Qom: Islamic Publications Institute.
- Al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 1414 AH. *Wasā'il al-Shī'ah*. Qom: Ā al-Bayt Institute (Mu'assasat Āl al-Bayt).
- 'Ibādī, Shīrīn. 1382 Sh. "Īn Rasm-i Ḥimāyat Nīst (This is Not the Method of Supporting)". *Monthly Journal of Andisheh Baztab*, No. 42. Qom: Islamic Research Center of IRIB.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. 1381 Sh. *Al-Khiṣāl*. Tehran: Kitābchī Publications.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. 1385 Sh. *Kitāb Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1405 AH. *Lisān al-'Arab*. Qom: Nashr-i Adab.
- Ibn Shu'bah, al-Ḥasan ibn 'Alī. 1393 Sh. *Tuḥaf al-'Uqūl*. Qom: Dār al-Ḥadīth Cultural Institute.
- Imāmī Namīnī, Maḥmūd. 1386 Sh. "Māhiyyat-i Mahr va Naqd-i Mahriyah-hā-yi Sangīn (The Nature of Mahr and a Critique of Heavy Mahrs)". *Articles and Reviews*, No. 86. Tehran: Faculty of Theology.

- Imāmī, Sayyid Ḥasan. 1371 Sh. *Ḥuqūq-i Madanī (Civil Law)*. Tehran: Islāmiyah Publications.
- Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn. 1419 AH. *Ḥāshiyat Kitāb al-Makāsib*. Qom: Dhawī al-Qurbā.
- Kashshāfīniyā, Vahīd; et al. 1401 Sh. *Afkār-Sanjī Pīrāmūn-i Mahriyah va Nazar-i Mardum darbārah-yi Mudākhalah-yi Qānūn dar Ān (Opinion Poll on Mahr and Public Views on Legal Intervention)*. Tehran: Mellat Opinion Polling Institute, Islamic Consultative Assembly Research Center.
- Kātūziyān, Nāṣir. 1394 Sh. *Dawrah-yi Muqaddamātī-yi Ḥuqūq-i Madanī: Khānavādah (Introductory Course on Civil Law: Family)*. Tehran: Sahāmī Publications (Shirkat-i Sahāmī-yi Intishār).
- Kāvyār, Ḥusayn; Sayrullāh Murādī; & Ilhām Nam-Nabāt. 1394 Sh. “Taḥlīl-i Māddah-yi 22 Qānūn-i Ḥimāyat-i Khānavādah dar Farḍ-i I’sār va Īsār-i Zawj bā Tawajjuh bih Qānūn-i Nahvah-yi Ijra-yi Maḥkūmiyyat-hā-yi Mālī Muṣawwab-i 1394 (Analysis of Article 22 of the Family Protection Law Regarding the Husband’s Insolvency/Solvency in Light of the 2015 Law on Enforcement of Financial Sentences)”. *Fiqh and Family Law*, Vol. 63, No. 20, pp. 95–120.
- Khānzādehpūr, Maryam; & ‘Abbās Karīmī. 1402 Sh. “Taḥlīl-i Ḥuqūqī-yi Tarḥ-i Haqq al-Thabt bar Mahriyah-hā-yi Bālā-yi 14 Sikkah-yi Ṭalā (Legal Analysis of the Proposal for a Registration Fee on Mahrs Exceeding 14 Gold Coins)”. *Fiqh and Family Law (Fiqh va Ḥuqūq-i Khānivāda)*, No. 80.
- Al-Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. 1367 Sh. *Al-Furū‘ min al-Kāfi*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Maḥmūdpanāhī, Muḥammad Riḍā. 1394 Sh. *Barrasī-yi Ravish-i Hermenotik-i ‘Amdī-yi Skinner (A Study of Skinner’s Intentional Hermeneutic Method)*. Tehran: Didār.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (2010). *Istiftā’āt-i Jadīd (New Legal Inquiries)*. Qom: Imām ‘Alī (AS) Publications.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1374 Sh. *[Tārjuma-yi] Tafṣīr al-Mīzān [Tafṣīr Nimūna]*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Mardānī, Marḍiyah [Marziyeh]; & Sayyid Sa‘īd Zāhid. 1391 Sh. “Barrasī-yi Jāmi‘ah-shinākhtī-yi Mahriyah (A Sociological Study of Mahr)”. *Shiite Women*, Vol. 28, No. 9, pp. 39–59.

- Mīr Khalīlī, Sayyid Aḥmad; Ḥasan Raḥīmzādah Maybūdī; & Fūziyah Qāsimpūr Kurd Kulā'ī. 1395 Sh. "Barrasī-yi Fiqhī va Ḥuqūqī-yi Māhiyyat-i Sharṭ-i 'Ind al-Istiṭā'ah Būdan-i Mahriyah (Jurisprudential and Legal Study of the Nature of the Condition of Mahr being Payable upon Ability)". *Comparative Law Research Journal (Pazhuhishnāma-yi Ḥuquq-i Taṭbīqī)*, Vol. 3, No. 2, pp. 61–83.
- Al-Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. 1414 AH. *Risālah fī al-Mahr*. Beirut: Dār al-Mufīd.
- Mullā'ī (Mollaie), Maḥdī. (2020). *Ḥuqūq-i Khānavādah (Family Law)*. Gorgan: Nowrūzī Publications.
- Mūsavī Bujnūrdī, Muḥammad Kāzim. (2016). *Dā'irat al-Ma'ārif-i Buzurg-i Islāmī (The Great Islamic Encyclopedia)*. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Mūsavī Hamadānī, Muḥammad Bāqir. (2007). *Tarjumah-yi Tafsīr al-Mīzān (Translation of Tafsīr al-Mīzān)*. Qom: Islamic Publications Office.
- Mūsavī Khoei, Sayyid Abū al-Qāsim. (1992). *Miṣbāḥ al-Faḳāha*. Beirut: Dār al-Hādī.
- Mūsavī Khomeini, Sayyid Rūḥullāh. (2000). *Al-Bay'*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Muṭahharī, Murtaḍā. 1389 Sh. *Majmū'ah-yi Āthār (Collected Works)*. Tehran: Ṣadrā Publications.
- Muẓaffarī, Muṣṭafā. 1387 Sh. "Vaz'-i Mālīyāt bar Mahriyah va Āthār-i Ān bar Nihād-i Khānavādah (Imposing Tax on Mahr and its Effects on the Family Institution)". *Family Studies*, Vol. 4, No. 4, pp. 553–564.
- Al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. (1987). *Jawāhir al-Kalām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Nāshirī, Sayyid Iḥsān; et al. 1401 Sh. "Taḥlīl-i Iqtisādī-yi Ta'dīl-i Mahriyah bā Rūykard-i Fiqhī (An Economic Analysis of Mahr Adjustment with a Jurisprudential Approach)". *Studies in Economic Jurisprudence*, Vol. 4, No. 2, pp. 165–180.
- Al-Nūrī, Mīrzā Ḥusayn. (1988). *Mustadrak al-Wasā'il*. Beirut: Āl al-Bayt (AS) Institute.
- Qarāchūrū, Rozā. 1378 Sh. "Naqd-i Lāyihah-yi Jadīd-i Ḥimāyat az Khānavādah (Critique of the New Family Protection Bill)". *Journal of Vekālat*, No. 37–38.
- Qayyūmzādah, Maḥmūd; & Ṭāhireh Pūr Ni'matī. 1397 Sh. "Ḍamānat bar Taqsīt-i Mahriyah Mīyān-kishī-yi Fiqhī, Ḥuqūqī va Akhlāqī (Guarantee for Mahr Installments: An Interplay of Jurisprudential, Legal and Ethical Considerations)". *Ethical Research*, Year 8, No. 3, pp. 5–26.

- Rawshan, Muḥammad; Muṭabá Qāsimī; & Muḥammad Riḍā Farhang. 1401 Sh. “Taḥlīl-i Iqtisādī-yi Mahriyah (An Economic Analysis of Mahr)”. *Family Studies (Khānivada pazhūhī)*, Vol. 18, No. 1, pp. 7–21.
- Šābirī, Sīāvash; Amīr Muḥammad Afrādī; & Farīd Qādirī. 1396 Sh. “Barrasī-yi Fiqhī va Ḥuqūqī-yi Taghyīr-Pazīrī-yi Mahriyah (Jurisprudential and Legal Study of the Variability of Mahr)”, *Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*, Vol. 15, No. 3, pp. 1–11.
- Sabziwārī, Muḥammad Bāqir. 1423 AH. *Kifāyat al-Aḥkām*. Qom: Islamic Publications Institute (Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī).
- Šādiqī, Sālār; & ‘Abbās ‘alī Akbarī. 1401 Sh. “Ḍarūrat-i Mudākhalah-yi Qānūn-Gudhār dar Nihād-i Mahriyah dar Jihāt-i Ḥall-i Mu‘ḍil-i Ijtimā‘ī-yi Imrūz (The Necessity of Legislative Intervention in the Mahr Institution to Solve Today’s Social Problem)”. *Woman and Family Studies (Zan va Muṭālī ‘at-i Khānivadeh)*, Vol. 55, No. 15, pp. 47–68.
- Sārdū ī Nasb, Muḥammad. 1388 Sh. “Taḥlīl-i Ḥuqūqī-yi Mahriyah ‘Ind al-Istiṭā‘ah yā ‘Ind al-Muṭālahah (Legal Analysis of Mahr payable upon Ability or upon Demand)”. *Strategic Studies of Women (Mutalī ‘āt-i Rāhburdī-yi Zanān)*, Vol. 11, No. 43, pp. 185–214.
- Al-Sayyid al-Murtaḍā, ‘Alī ibn al-Ḥusayn. 1415 AH. *Al-Intiṣār*. Qom: Islamic Publications Institute.
- Sha ‘bānī, Afsāneh; & Sayyid Ḥāshim Fallāhī. 1386 Sh. “Falsafah-yi Mahriyah dar Niẓām-i Ḥuqūqī-yi Islām (The Philosophy of Mahr in the Islamic Legal System)”. In: *Conference on Women in the Islamic Legal System*. Āstārā: Islamic Azad University.
- Šubḥānī, Ja‘far. 1417 AH. *Niẓām al-Nikāḥ (The Matrimonial System)*. Qom: Imām Šādiq (AS) Publications.
- Al-Ṭabāṭabā‘ī Yazdī, Sayyid Muḥammad Kāzim. 1378 AH. *Ḥāshiyat al-Makāsib*. Qom: Ismā‘īliyyān.
- Ṭabāṭabā‘ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1417 AH. *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Qom: Islamic Publications Office.
- Al-Ṭabrisī, al-Faḍl ibn al-Ḥasan. 1372 Sh. *Majma‘ al-Bayān*. Tehran: Nāṣir Khusraw.
- Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn. 1408 AH. *Majma‘ al-Baḥrayn*. Qom: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 1365 Sh. *Tahdhīb al-Aḥkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Al-Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 1388 Sh. *Al-Mabsūṭ fī Fiqh al-Imāmiyyah*. Tehran: Al-Maktabat al-Murtaḍawīyyah.
- Al-Zubaydī, Sayyid Muḥammad Murtaḍā. 1414 AH. *Tāj al-‘Arūs min Jawāhir al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr.

B. English and Other Sources:

- Attride-Stirling, Jennifer. 2001. "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research". *Qualitative Research*, 1(3).
- Given, L. M. (Ed.). (2008). *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods*. London: SAGE Publications.
- Mahmoud Panahi, Seyed Mohammad Reza. 2015. "A Study of Skinner's Intentional Hermeneutic Methodology". *Research Policy Quarterly*, No. 3.